

( اصول و مبانی مسئله عفاف و حجاب از منظر قرآن کریم )

محمد حسین پسندیده<sup>۱</sup>

رضا اسماعیلی<sup>۲</sup>

چکیده

«حجاب و عفاف» در قاموس بشری، واژه های آشنایی هستند که در گذر زمان از سنت به سوی مدرنیته، فراز و نشیب های زیادی را طی کرده است. در این میان مردان و زنان (به خصوص زنان) در مسیر تند باد حرکت به سوی مدرنیسم و پسامدرنیسم، در معرض برهنگی فرهنگی و فرهنگ برهنگی قرار گرفتند تا در توسعه سرمایه داری نقش خویش را ایفا کنند. اما با گذر زمان از هویت و شخصیت و ماهیت خود بیشتر دور شدند، و در یک حرکت جدید با بازگشت دوباره به سوی منیت خویش و توجه به سرشت و طبیعت و احتیاجات حقیقی خود را، در میان معنویت، هویت خویش را در «عفاف و حجاب» جستجو کردند. نگاهی به مبانی «حجاب و عفاف» که برخاسته از حقایق دین و در افق بالاتر از عالم ماده تدوین و تبیین شده است، در عصر مادیات، تنها پاسخ مثبت و حقیقی به نیازهای درونی و بازگشت به گرایش های فطری جامعه انسانی است که سلامت، امنیت، معنویت و کمال را در خانواده و اجتماع میسور می سازد؛ و این انتخاب تنها راه رسیدن به کمال و سعادت الهی است، مبانی و ریشه و راه های این حقیقت را می توان از بطن قرآن و روایت های اصیل اسلامی به دست آورد. از این روی در این مقاله «مبانی عفاف و حجاب» از منظر قرآن مورد نقد و بررسی قرار گرفته است که به صورت کتابخانه ای و به روش توصیفی تحلیلی جمع آوری شده و امید است این تحقیق بتواند در توسعه فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه تأثیرگذار باشد.

کلید واژگان :

عفاف، حجاب، قرآن کریم، فرهنگ

۱. کارشناس ارشد رشته مدیریت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان(اصفهان)، عضو باشگاه پژوهشگران جوان.

۲. معاون فرهنگی و عضو هیئت علمی گروه مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

واقعا پرداختن به بحث عفاف و حجاب مهم است؟ چرا تا این اندازه اسلام بر روی آن تاکید دارد به حدی که ضرورت حجاب مورد اتفاق شیعه و سنی است؟ و چرا برخی کشورهای غربی و غیر اسلامی مانند فرانسه و ترکیه نسبت به آن این چنین حساسیت نشان می دهند و برای زنان محجبه محدودیت ایجاد می کنند؟ چرا نسبت به آنان تبعیض قائل می شوند و انواع فشارها را بر آنها وارد می کنند؟ امروزه نمونه این فشارها را در این کشورها زیاد می بینیم به طور مثال می توان به اخراج پیرزنی از یک بیمارستان در ترکیه اشاره کرد که به علت داشتن همراه محجبه اخراج شد. اهمیت مسئله حجاب تا حدی است که سکولارها در ترکیه روسری را نماد اسلام سیاسی می دانند. آنها به خوبی متوجه جایگاه زنان و حجاب آنان در عفاف جوامع اسلامی شده اند که به هر صورت در صدد ضربه زدن به آن هستند تا بتوانند از طریق آن به اهداف خود دست پیدا کنند. بر خلاف ادعای غرب، زن در اسلام از جایگاه والایی برخوردار است، اهمیت مقام زن را در جمله ای زیبا از امام خمینی می شود درک کرد: «از دامن زن مرد به معراج می رسد».

با قدری تأمل می توان به حقیقت این جمله دست یافت یقیناً وقتی زنان جامعه ای خوب و باحیا باشند، مردان آن جامعه نیز از تربیتی صحیح و نیکو بهره مند خواهند بود و تاثیر زنان بر زندگی مردان انکار ناپذیر است. غربیان نیز به درستی این سخنان پی بردند و درصدد ضربه زدن به ما هستند، آنها فهمیده اند که از مواردی که می توان با آن به حیا زنان آسیب وارد کرد حجاب آنان است. و به همین جهت است که دین مبین اسلام نیز بر امر حجاب و مسائل پیرامون آن تأکیدات فراوانی دارد.

## مفهوم حجاب

حجاب را از دو بعد لغوی و اصطلاحی می توان تعریف کرد که در بعد لغوی در ساده ترین تعریف حجاب به معنی پوشش و فاصله میان دو چیز معنا شده است؛ چنان که ابن منظور می نویسد: «الحجاب: الستر... و الحجاب اسم ما احتجب به و کل ما حال بین شیئین: حجاب... و کل شیءٍ منع شیئاً فقد حجبه...» (ابن منظور ۲۰۰۰م) «حجاب به معنای پوشانیدن است و اسم چیزی است که پوشانیدن با آن انجام می گیرد و هر چیزی که میان دو چیز، جدایی می اندازد، حجاب گویند و هر چیزی که مانع از چیز دیگر شود او را حجب نموده است.» و در کلامی دیگر خداوند متان می فرماید: «و من بنینا و بینک حجاب.» «میان ما و شما حاجز و فاصله ای در نحله و دین وجود دارد، نیز بدین معنا به کار رفته است.» (سوره فصلت، آیه ۵).

شهید مطهری در مورد واژه «حجاب با تأکید بر مفهوم پوشش بیان می کند: «کلمه ی حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. بیشتر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده وسیله ی پوشش است، و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست، آن پوششی حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. در قرآن کریم در داستان سلیمان، غروب خورشید را این طور توصیف می کند: «حَتَّى تَوْرَات بِالْحِجَابِ» (سوره ص، آیه ۳۲) «تا آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شد.» پرده ی حاجز میان قلب و شکم را «حجاب» گویند (مطهری، ۱۳۵۳).

در کتب لغت فارسی نیز برای واژه ی «حجاب» معنای مختلفی مانند: «پرده ، ستر ، نقابی که زنان چهره ی خود را به آن می پوشانند، روی بند، برقع، چادری که زنان سرتاپای خود را بدان می پوشانند.» (معین، ۱۳۷۹). در کل می توان گفت حجاب به معنی پوشش، بدیهی ترین تعریفی است که می توان به آن اشاره کرد. به نظر می رسد واژه «ستر» در طول زمان به «پوشش» تغییر یافته است که زن در پس پوششی مانند حجاب خود را در جامعه از گزندهای مختلف مصون می دارد. چنان که «حجاب در علوم چون عرفان و طب و شاید دیگر علوم اصطلاح خاصی دارد؛ اما این واژه در قرآن و حدیث نیز با عنایت به همین معنای لغوی به کار رفته و معنای خاصی پیدا نکرده است. در دوران متأخر این واژه معنای اصطلاحی خاصی پیدا کرده و به پوشش خاص زنان اطلاق شده است.» (جمشیدی، ۱۳۸۶).

«شهید مطهری در مورد واژه «ستر» و تغییر آن به «پوشش» می نویسد: «مورد استعمال کلمه ی (ستر به پوشش در مفهوم) حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقهاء، کلمه ی «ستر» که به معنی پوشش است به کار رفته است. فقها چه در کتاب الصلوه و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده اند، کلمه ستر را به کار برده اند، نه کلمه ی حجاب را. بهتر این بود که این کلمه عوض نمی شد و ما همیشه همان کلمه ی پوشش را به کار می بردیم، زیرا چنان که گفتیم معنی شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده ی زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. پوشش زن در اسلام، این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد.» (مطهری، ۱۳۵۳).

سیر تاریخی حجاب

بنابر گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق اقوام و ملل، حجاب در میان زنان معمول بوده، هر چند فراز و نشیب های زیادی را طی کرده است و گاهی با اعمال سلیقه ی حاکمان تشدید یا تخفیف یافته است ولی هیچ گاه به طور کامل از میان نرفته است. «مورخان به ندرت از اقوامی بدوی یاد می کنند که زنان شان دارای حجاب مناسب نبوده یا به صورت برهنه در اجتماع ظاهر می شدند. تعداد این اقوام به قدری نادر است که در مقام مقایسه به قول اندیشمندان قابل ذکر نیستند و شاید بتوان گفت: وجود برخی موانع سبب جلوگیری از بروز تمایلات و استعداد های فطری و طبیعی آنان شده است و یا عواملی باعث انحراف آنان از مسیر فطرت گشته است.» (محمدی آشنانی، ۱۳۷۳). شهید مطهری در مورد این که کدامین اقوام دارای حجاب بوده اند چنین بیان می کند: «در ایران باستان و در میان قوم یهود و احتمالاً در هند حجاب وجود داشته است و از آن چه در قانون اسلام آمده سخت تر بوده است اما در عرب جاهلیت حجاب وجود نداشته است و به وسیله ی اسلام در عرب پیدا شده است.» (مطهری، ۱۳۵۳).

مهدی قلی هدایت در کتاب خاطرات و فطرت زنانه پوشش در ملل مختلف می گوید: «اگر به لباس ملی کشورهای جهان بنگریم به خوبی حجاب و پوشش زن را در می یابیم. براون و اشنایور، نویسنده ی غربی، در کتابی به نام پوشاک اقوام مختلف، پوشاک اقوام گوناگون جهان از عهد باستان تا قرن بیستم را به صورت مصور ارائه کرده اند. نگاهی کوتاه به این کتاب روشنگر این واقعیت است که در عهد باستان در میان یهودیان، مسیحیان، زرتشتی ها، یونانیان و اهالی روم، آلمان، خاور نزدیک و برخی مناطق دیگر پوشش زن به طور کامل رعایت می شده است، به گونه ای که زنان چین در معابر عمومی جز در پرده و ملحفه ظاهر نمی شدند و در خانه نیز دارای اندرونی و بیرونی بوده اند.» (هدایت، ۱۳۶۳). در مجموع می توان گفت حجاب به معنای یک رفتار انسانی در طول تاریخ با فراز و نشیب های فراوانی همراه بوده و گرایش های مختلفی در هر دوره بر نوع حجاب افراد مؤثر بوده است. اگر چه رسم حجاب در بین اقوام غیر عرب مانند ایران باستان، اروپا، قوم یهود و ... مرسوم بوده است. اسلام، نه تنها واضح قانون حجاب نبوده است، بلکه در جهت جلوگیری از افراط و تفریط هایی که در طول تاریخ در مورد حجاب به وجود آمده بود، به قانونمند کردن و تنظیم و تخفیف آن همت گماشته است و آن را به صورتی متعادل، صحیح و متناسب با فطرت انسانی زن ارائه نموده است.

## مبانی مسئله حجاب در قرآن

حجاب در کلام الله مجید در سوره های نور و احزاب به صراحت و وضوح تبیین شده است. «در این آیات شریفه حدود حجاب، آثار و کارکردهای آن بیان گردیده است؛ در حقیقت، حجاب زن مسلمان به فتوای همه ی مراجع معروف تقلید در این زمان یکی از ضروریات دین است.» لزوم پوشیدگی زن براساس شش دلیل قطعی قابل اثبات است که هر یک به تنهایی برای اثبات ضرورت حجاب کافی است :

- قرآن کریم

- روایات شریفه

- سیره ی اهل بیت علیه السلام

- براهین عقلی

- فطرت و طبیعت انسانی

- تاریخ

نکته مهم در بررسی حجاب از نظر دین مبین اسلام، این است که نگرشی مطابق با فطرت و هویت حقیقی زنان است که نه تنها یک بُعدی نبود، بلکه همه ی ابعاد و جوانب شخصیت زن مسلمان در بُعد مادی و معنوی را مد نظر قرار داده است. از این روی در این مقاله حجاب تنها از دیدگاه قرآن و روایت ها مورد بررسی قرار گرفته است که حجاب فیزیکی بدن، حجاب در نگاه، گفتار، رفتار و در قلب را می توان اشاره کرد.

## حجاب فیزیکی بدن

این بُعد همان محوری است که مورد توجه اکثر دانشمندان، علما، فقها و روشنفکران بوده است. این بخش از حجاب محسوس ترین و ملموس ترین بُعد می باشد. در آیات شریفه قرآن کریم «در سوره نور و احزاب» به این بُعد از حجاب با عنوان «خُمار» و «جلباب» تأکید ویژه شده است.

## خمار

قرآن کریم از دو نوع حجاب و شیوه ی پوشش زن سخن به میان آورده است: «خمار» و «جلباب» از خمار در آیه سوره نور سخن گفته شده است: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» (نور، آیه ۳۰) «خمارهای خود را بر گریبان های خویش بیفکنید.» که این قسمت آیه بیان گر کیفیت پوشش است که زن باید آن را بپوشاند. «خمر»، جمع خمار است و در کتب لغت آمده است: «الخمار ثوب تغطي به المرأة أسما» (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲م) «خمار لباسی است که زن سر خود را با آن می پوشاند.» مصطفوی در التحقیق فی کلمات القرآن می نویسد: «خمر و خمار به معنی ستر و پوشش است. شراب را خمر گویند؛ زیرا حواس ظاهری و باطنی را می پوشاند. به روسری زن نیز خمار گویند؛ زیرا به وسیله آن سرش را می پوشاند.» (مصطفوی، ۱۳۶۰) ابن عباس در تفسیر این بخش از آیه ی شریفه می گوید: «تغط شعرها و صدرها و ترائبها و سواالصفاء» (طبرسی، ۱۳۸۰) «موی سر، سینه و دور گردن و زیرگلوی خود را بپوشاند.» (بیرقی، ۱۳۷۷)

«آنچه می تواند به این فرمان الهی جامه ی عمل بپوشاند، مقنعه یا روسری بلندی است که علاوه بر پوشش کامل سر، بر روی گردن و سینه افتد.» و شهید مطهری معتقد است: «ترکیب لغوی «ضرب علی» در لغت عرب این معنا را می سازد که چیزی را بر روی چیز دیگر قرار دهند، به طوری که مانع و حاجبی برای او شمرده شود.» براساس آیه ی شریفه و تفسیر ابن عباس، این پوشش سر هر چه هست، اعم از شال، روسری، مقنعه باید مو، سینه، دور گردن و زیرگلوی زن را بپوشاند. «در زمان جاهلیت و صدر اسلام زنان عرب غیرمسلمان لباس های بلند و گشاد می پوشیدند، بر سر یا شانه خود عبا می انداختند و پوششی کوتاه و کوتاه تر از جلباب روی سرشان می بستند. شهید مطهری به نقل از تفاسیر معتبر از جمله تفسیر کشاف بیان می کنند که زنان عرب معمولاً پیراهن هایی می پوشیدند که گریبان های شان باز بود، دور گردن و سینه را نمی پوشاند و روسری هایی هم که روی سر خود می انداختند از پشت سر می آویختند، قهراً گوش ها و بناگوش ها و گوشواره ها و جلوی سینه و گردن نمایان می شد. این آیه دستور می دهد که باید قسمت آویخته ی همان روسری ها از دو طرف روی سینه و گریبان خود بیافکنند تا قسمت های یاد شده پوشیده گردد.» (مطهری، ۱۳۵۳).

## جلباب

نوع دوم پوشش جلباب است که در سوره احزاب بدان تصریح شده است: «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ وَ لَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً» (سوره احزاب، آیه ۵۹). «ای پیامبر، به زنان و دخترانت و زنان مؤمن بگو: جلباب های خود را به هم نزدیک سازند تا با این پوشش بهتر شناخته شوند و از تعرض هوس رانان آزار نبینند و خداوند بخشنده و مهربان است.» علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در ذیل آیه شریفه آورده است: «الجلابیب جمع جلباب و هوثوب تشتمل به المرأه فیغطی جمیع بدنها او الخمار الذی تغطی به رأسها و وجهها.» (طباطبایی، ۱۳۹۶ هـ. ق.) «جلابیب جمع جلباب است و آن لباسی است که زن آن را در بر می کند و همه بدن خود را می پوشاند یا مقنعه ای است که سر و صورت خود را به آن می پوشاند.» زمخشری نیز در کشف به نقل از ابن عباس همین معنی را به کار برده است و می گوید: «الرداء الذی سیته من فوق الی اسفل» «در جلباب ردایی است که سراسر بدن را از بالا تا پایین را می پوشاند.» (زمخشری، ۱۳۵۲).

ابن منظور نیز در لسان العرب جلبا را لباس بلند معنا کرده و می نویسد: «الجلباب ثوب اوسع من الخمارد دون الرداء تغطی به المرأه راسها و صدرها و قیل هوثوب واسع دون الملحفه تلسبه المرأه و قیل هو الملحفه» جلباب لباسی بزرگ تر از سرپوش و کوچک تر از رداست که زن سر و سینه خود را با آن می پوشاند و گفته شده است لباسی بزرگ است که از محلفه کوتاه تر است و زن آن را می پوشد و گفته شده است همان ملحفه است.» (بیرقی، ۱۳۷۷).

علاوه بر مباحث لغت شناسی، چند نکته ویژه نیز در آیه ی جلباب وجود دارد:

- تأخیر نزول آیات مورد نظر در سوره ی احزاب پس از آیات خمار در سوره ی نور. «با توجه به مسئله تدریجی بودن احکام، این نظر محتمل است که آیه ی خمار دستور نخستین و آیه ی جلباب دستور نهایی آن است؛ حجاب برگزیده و برتر مورد نظر اسلام حجاب جلباب است.
- عمومیت آیه ی جلباب بر همه ی زنان مؤمن و زنان و دختران پیامبر (ص) به عنوان یک حکم نهایی و استثنا ناپذیر.» (هدایت خواه، ۱۳۷۴).

- دستور بر نحوه ی پوشش جلاباب با عنوان «یدنین علیهن من جلابیهن» با چیزی مانند عبا و چادر سازگارتر است تا با لباس و روسری؛ زیرا شکل لباس سراسری به گونه ای است که باید اطراف آن را به یکدیگر نزدیک کرد و بر روی هم قرار داد تا بدن را بپوشاند.

- اثر اجتماعی پوشش جلاباب در این آیه ی شریفه ذکر شده است در حالی که این اثر برای پوشش خمار بیان نشده: «ذلک أدنی ان یعرفن فلا یؤذین»

این پوشش جلاباب نزدیک ترین چیزی است که به وسیله ی آن ایمان و عفاف تعیین می یابد و همان طور که گفتیم به این وسیله زنان مؤمن و عفیف بهتر شناخته می شوند تا از تعرض هوس رانان آزار نبینند از همین رو ارادل و اوباش مجبور می شوند حساب این زنان متین و پوشیده را از زنان کنیز و ... جدا نمایند. در تعیین این که از زینت ها چه زینت هایی نباید آشکار شوند، میان فقها اختلاف رأی وجود دارد. کلمه ی «زینت» در زبان عربی عام تر از واژه ی «زیور» در زبان فارسی است؛ زیرا زیور به زینت هایی گفته می شود که از بدن جدا می شود؛ مانند طلاجات و جواهرات، ولی کلمه زینت هم به این دسته گفته می شود و هم به آرایش هایی که به بدن متصل است؛ مانند سرمه و خضاب.» مفاد این دستور آن است که زنان نباید آرایش و زیور خود را آشکار سازند؛ اما استثنای اول می گوید: پوشش زینت هایی که آشکار است، لازم نیست. پس زینت های زن بر دو نوع است: یک دسته آشکارند و نوع دیگر مخفی، مگر آن که زن به قصد و عمد بخواهد آن را آشکار کند؛ اما سؤالی که در اینجا پیش می آید این است که زینت آشکار کدام است و زینت پنهان کدام؟ درباره ی این انشاء از قدیم ترین زمان ها از صحابه و تابعین و ائمه ی طاهرین سؤال می شده و به آن جواب داده شده است.» ایشان در پایان این مبحث تصریح می کنند: «ما این مسئله را از نظر خودمان بیان می کنیم و استنباط خودمان را ذکر می کنیم و اما هر یک از آقایان و خانم ها از هر کس که تقلید می کنند عملاً باید تابع مرجع تقلید خودشان باشند.» شهید مطهری در این مبحث معتقد است: «پوشاندن چهره و دست ها تا میج واجب نیست؛ حتی آشکار بودن آرایش عادی و معمولی که در این قسمت ها وجود دارد، مانند سرمه و حنا که معمولاً زن از آن خالی نیست و پاک کردن آنها یک عمل فوق العاده به شمار می رود نیز مانعی ندارد. ایشان تأکید می کنند که نظرشان با فتوای بعضی از مراجع تقلید تطبیق می کند، ولی ممکن است که با فتوای برخی دیگر تطبیق نکند؛ گرچه یادآوری می کند که فتوای مخالفی وجود ندارد و هر چه هست احتیاط است نه فتوای صریح.» (مطهری، ۱۳۵۳).



## حجاب در نگاه

بُعد دیگر حجاب از دیدگاه قرآن و روایات در «نگاه» است. این بخش از حجاب بعد از بُعد اول، شناخته شده ترین بُعد از ابعاد حجاب است و دستور صریح قرآن کریم بر این بُعد از حجاب دلالت دارد. که حجاب هم برای زن و هم برای مرد است، هم چنان که خداوند در سوره ی مبارکه نور به مردان و زنان به طور جداگانه امر می کند که چشم های خود را فرو افکنند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» و «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغُضُّنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» (سوره نور آیات ۳۰ و ۳۱). اصطلاح «غَضَّ بَصْرًا» در لغت به معنای فرو افکندن چشم می باشد و نه فرو بستن آن. «غض» به تنهایی به معنای کاستن، تخفیف و نگهداری است که هم برای صدا استفاده می شود و هم برای چشم؛ برای مثال آیه ی سوره لقمان می فرماید: «وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ» «صدای خود را کوتاه کن.» (قریشی، ۱۳۷۸).

شهید مطهری با تأمل در لغت عرب می فرماید: «غض بصر» با «غمض عین» متفاوت است. «غمض» به معنای فرو بستن است که با کلمه عین همراه می شود نه کلمه بصر. شهید مطهری «با مبنای فلسفی خود نگاه را به دو دسته ی «استقلالی» و «آلی» تقسیم می کند. «در نگاه استقلالی» یعنی این که نگاه کردن به کسی یا چیزی برای خوب تماشا کردن و ورنه انداز کردن آن برای ارزیابی آن؛ اما «نگاه آلی» یعنی نگاه کردنی که خودش هدف نیست، بلکه به عنوان مقدمه و وسیله سخن گفتن است. بر این اساس، امر الهی به زنان و مردان مؤمن، پرهیز از نگاه استقلالی است نه نگاه آلی؛ یعنی پرهیز کردن از نگاهی که هدفش صرفاً تماشا کردن و لذت بصری بردن و چشم چرانی است.» (مطهری، ۱۳۵۶).

«بصر» نیز در لغت عرب به ابزار بینایی، یعنی چشم گفته می شود و هم به حس بینایی و گاهی نیز به دلالت التزامی به معنای علم است، دلالت دارد.» (قریشی، ۱۳۷۸) از مطالب مزبور نکات ذیل را می توان بدست آورد:

- امر جداگانه نه به مردان و زنان مؤمن، بلکه به خاطر تأکید این امر.

- تقدم امر به مردان پیش از زنان؛ در این دستور مشترک ابتدا مردان مورد خطاب الهی قرار گرفته اند و پس از آنان زنان؛ و این امر شاید دلالت بر ضرورت و اولویت این نوع از حجاب در میان مردان داشته است.

- تعلق گرفتن امر به مردان و زنان مشروط به شرط ایمان: لازمه ی ایمان مردان و زنان مؤمن پرهیز از چشم چرانی است؛ در حقیقت بخشی از ایمان افراد مؤمن در گرو پاک داشتن چشم شان از آلودگی ها، لذت های حرام و آلودگی های بصری است.

حضرت رسول(ص) در زمینه نگاه و حرمت آن می فرمایند: «از نگاه بعد از نگاه پرهیز؛ زیرا نگاه اول از آن توست و ناخواسته است، اما نگاه دوم به زیان توست و عمدی می باشد و نگاه سوم ویران گر است.» و «امام صادق علیه السلام نیز می فرمایند: نگاه بعد از نگاه، بذر شهوت در دل می کارد و این خود برای به گناه کشاندن و به فتنه انداختن صاحبش کافی است.» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷).

حضرت رسول(ص) می فرمایند: «پیرامون نگاه حرام و تبعات آن هر که چشم خود را از حرام پرکند، خداوند در روز قیامت چشم او را از آتش پر می کند، مگر این که توبه کند و از عمل خود دست بردارد.» نکته ی مهم آن است که پرهیز از نگاه به نامحرم و نگاه های حرام اگر چه در روایات بیشتر مربوط به مردان است ولی همان گونه که آیات شریفه نیز تصریح شد، پرهیز از نگاه خیانت کارانه و نگاه هوس آلود به نامحرم در مورد زنان نیز صدق می کند؛ از این رو حضرت رسول(ص) می فرمایند: «خشم خداوند سخت است بر زن شوهرداری که چشم خود را از غیرشوهر خود یا از کسی که محرم او نیست پرکند.»

## حجاب در گفتار

تبیین روشن وحی در باب نحوه ی سخن گفتن زنان مؤمن با مردان، یکی از مهم ترین ابعاد حجاب است که در قرآن ذکر شده است که حتی لحن سخن گفتن زنان را در بُعد روانشناسانه مد نظر قرار داده است. حجاب در گفتار در آیات شریفه ی قرآن کریم مؤکداً در مورد نحوه ی گفتار زنان به نامحرم است آنجا که می فرماید: «فلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا.» «با خضوع در گفتار سخن نگویند که بیمار دل طمع ورزد، بلکه شایسته و متعارف سخن گویند.» (سوره احزاب، آیه ۳۲).

مخاطب نخست آیه ی شریفه، زنان رسول خدا (ص) هستند و سپس تمام زنان مؤمن؛ علامه طباطبایی می نویسد: «معنای خضوع در کلام آن است که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند تا دل او را دچار ریه و خیال های شیطانی نمود، شهوتش را برانگیزند و در نتیجه آن مردی که بیمار دل است به طمع بیفتد و منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است؛ آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوات حرام باز می دارد.» (طباطبایی، ۱۳۹۶ هـ.ق). بنا به نظر شهید مطهری «مسئله جو از استماع صدای زن جزء مسلمات است و دلیل آن سیره ی قطعی رسول خدا (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام است و دلیل دیگر آن سیره ی قطعی و رایج میان مسلمانان می باشد.» (مطهری، ۱۳۵۳).

علامه طباطبایی معتقد است: «آیه ی مذکور در مجموعه ی آیاتی قرار دارد که به همسران رسول خدا (ص) مربوط است و به آنان تذکر می دهد که از دنیا و زینت آن جز عفاف و رزق کفاف بهره ای ندارد؛ البته در صورتی است که بخواهند همسر او باشند، و گر نه مانند سایر مردم اند.» (طباطبایی، ۱۳۹۶ هـ.ق).

به بیان دیگر شارع مقدس با نهی زنان از خضوع در گفتار با نامحرم، آنان را به حصار امن تقوا دعوت نموده است تا خود و جامعه را از مصایب بی تقوایی و بی پروایی ایمن نگه دارند؛ چرا که نوع سخن گفتن زن از بی حجابی و بدحجابی فیزیکی اغواکننده تر است و به همین دلیل، خداوند متعال همسران پیغمبر را به طریق اولی از آن نهی کرده است. نکته دیگر در آیه شریفه این است که اگر مردی دارای تقوای قلب باشد، حتی کلامی چنین آلوده به دعوت های باطل دلش را به هوس نمی اندازد؛ چرا که آیه شریفه می فرماید: «فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» (سوره احزاب، آیه ۳۲) یعنی اگر زنی بی تقوایی کند و حجاب در گفتار

را رعایت ننماید، تنها مردان بیماردل هستند که در دام شیطان می افتند و مردان با تقوا در قلعه ی ایمان در امانند.

## حجاب در رفتار

مقصود از حجاب در رفتار اعمال و افعالی است که به واسطه ی اعضا و جوارح پدید می آیند. آن چه به حجاب در رفتار تعلق می گیرد، مجموع چند امر و نهی الهی است:

- آشکار ساختن زینت های پنهان: خداوند در سوره مبارکه نور می فرماید: «وَلَا يَضْرِبْنَ بَارِجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ» (سوره نور، آیه ۳۱) «به زنان مؤمن بگو آن گونه بر زمین پای نزنند که خلخال و زینت پنهان پاهای شان معلوم شود.» نهی مذکور در آیه ی شریفه مرتبط با بحث زینت در حجاب فیزیکی است و از به جلوه درآوردن و اظهار زینت های پنهان زنانه سخن می گوید. اظهار نمودن بدون ظاهر نمودن، یعنی سهل انگاری یا مکر زنانه در جلوه گری و خود نمایی. خداوند متعال در آیه ی شریفه از نحوه ی خاصی از راه رفتن نهی نموده است؛ راه رفتنی که دیگران را به زینت های پنهانی زن آگاه می کند. شهید مطهری در ذیل آیه شریفه چنین می گوید: «زنان عرب معمولاً خلخال به پا می کردند و برای آن که بفهمانند خلخال قیمتی به پا دارند، پای خود را محکم بر زمین می کوفتند. از این دستور می توان فهمید که آنچه موجب جلب توجه مردان می گردد؛ مانند استعمال عطرهای تند و زننده و هم چنین آرایش های جالب نظر در چهره ممنوع است و به طور کلی زن در معاشرت نباید کاری بکند که موجب تحریک و تهییج و جلب توجه مردان نامحرم گردد.» (مطهری، ۱۳۵۳). برخی دیگر از صاحب نظران معتقد هستند آن چه در این بخش از آیه ی شریفه از آن نهی شده است، آشکار شدن هر گونه زینت و زیبایی های زنانه است که پنهان است و باید پوشیده بماند و این اعم از صدای النگو و صدای پاشنه کفش است که موجب جلب توجه نامحرم به خود زن یا پای زن می باشد. از سوی دیگر، زینت پنهان می تواند پوشیدن لباس ها و زینت های خاصی در زیر چادر باشد که با اندک کنار رفتن چادر، آن زینت ها آشکار شده و ناقض حجاب می گردد.»

- استعمال عطر : از جمله مواردی که به شدت از آن نهی شده است ، این است که زن به هنگام خروج از خانه خود را معطر سازد ، به طوری که بوی عطر وی به مشام نامحرم برسد . حضرت پیامبر (ص) می فرمایند : «هر زنی که به خود عطر بزند و از خانه اش خارج شود تا وقتی که به خانه اش برگردد لعنت و نفرین می شود تا هر وقت که برگردد.» (شعبه الحرائی ۱۳۶۳) آن چه مسلم است، این است که عطر زدن برای خانم ها نه تنها اشکالی ندارد بلکه استحباب نیز دارد، به خصوص که برای همسر باشد. آن چه که از آن نهی شده این است که زن موقع بیرون رفتن از منزل و یا موقعی که با نامحرم در تماس است، طوری عطر بزند که بوی آن به مشام نامحرم برسد و ایجاد مفسده کند.» (شجاعی، ۱۳۸۵).

— آرام گرفتن در خانه و پرهیز از تبرج جاهلی : در آیه ی شریفه ۳۳ سوره احزاب به زنان پیامبر(ص) علاوه بر تقوا، امر می شود که در خانه های خود آرام و قرار گیرند و هم چون جاهلیت نخستین در میان جمعیت ظاهر نشوند.» (سوره احزاب، آیه ی ۳۳). «کلمه ی «قرن» امر از ماده ی قرء است که به معنای پا برجا شدن است و ممکن است از ماده ی قازیقار به معنای اجتماع و کنایه از ثابت ماندن در خانه ها باشد . « (طباطبایی، ۱۳۹۶ هـ. ق) و کلمه ی «برج» یعنی آشکار شدن. صاحب مجمع البیان می گوید : «تبرج آن است که زن زیبایی های خود را اظهار کند. اصل آن به معنای ظهور است و به عبارتی دیگر، از آن جهت به آن «برج» گویند که ظاهر و هویدا است.

زمخشری نیز در کشاف می گوید : «بداو برز» به معنای ظهور و نظیر تبرج هستند . اشتقاق بروج از تبرج است به جهت ظاهر بودن آن ها . براساس نظرات تفسیری مذکور ، معنای آیه شریفه «و تبرجن تبرج الجاهلیه الاولى» ، «ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید مانند خودنمایی «جاهلیت اولی» .» نکته ای که در این آیه شریفه مطرح گردیده است «تحرز و پرهیز از آمیزش و مراوده با مردان بیگانه» اختصاص به زنان رسول خدا(ص) ندارد بلکه و شامل عموم زنان می شود. همان گونه که در روایت های بسیاری آمده است که بهترین محیط زندگی برای زن خانه اش است، حتی ثواب نماز زنان جوان در خانه به مراتب از حضور در مساجد و مجامع بالاتر شمرده شده است و البته این بدان معنی نیست که زن از فعالیت اجتماعی محروم باشند (قریشی، ۱۳۷۸). مقصود از این دستور زندانی کردن زنان پیغمبر(ص) و هیچ زنی در خانه نیست؛ زیرا تاریخ اسلام به صراحت گواه است که رسول خدا(ص) زنان خود را با خود به سفر می برد و آنان را از بیرون شدن از خانه منع نمی فرمود. بلکه مقصود از این دستور، آن است که زن به منظور خودنمایی از خانه

بیرون نشود. آن چنان که امروز عده ای از زنان برای بیرون رفتن از خانه و خودنمایی و پرسه زدن در خیابان ها ، ساعت ها در پای میز آرایش به سر و وضع خود و لباس خویش می رسند.» (هدایت خواه، ۱۳۶۳).

### حجاب در قلب

خداوند متعال در برتری تقوای دل در امر حجاب در قرآن : «وَاِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» «هنگامی که از همسران پیامبر(ص) چیزی خواستید از پشت حجاب و پرده از ایشان بخواهید که این کارتان برای دل های شما و دل های ایشان پاکیزه تر است.» (سوره احزاب ، آیه ۵۳). در ذیل آیه صاحب تفسیر نمونه چنین بیان می کند : «هنگامی که رسول خدا(ص) با زینب ازدواج کرد، ولیمه نسبتاً مفصلی به مردم داد. انس که خادم مخصوص پیامبر(ص) بود می گوید : پیامبر(ص) به من دستور داد که اصحابش را به غذا دعوت کنم، من همه را دعوت کردم، دسته دسته می آمدند و غذا می خوردند و از اتاق خارج می شدند، تا این که عرض کردم : ای پیامبر خدا؛ کسی باقی نماند که من او را دعوت نکرده باشم، فرمود : اکنون که چنین است سفره را جمع کنید، سفره را برداشتند و جمعیت پراکنده شدند، اما سه نفر هم چنان در اتاق پیامبر(ص) ماندند و مشغول بحث و گفتگو بودند. آیه نازل شد و دستورات لازم را بیان کرد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶).

از بعضی قرائن استفاده می شود «که گاهی همسایگان و سایر مردم طبق معمول برای عاریت گرفتن اشیایی نزد بعضی از زنان پیامبر (ص) می آمدند، برای حفظ حیثیت همسران پیامبر(ص) آیه نازل شد و به مؤمنان دستور داد که هر گاه می خواهند چیزی از آنها بگیرند، از پشت پرده بگیرند.» (بابایی، ۱۳۸۰).

علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه می نویسد : «درخواست متاع از همسران حضرت ، کنایه از این است که مردم با آنها درباره ی حوایجی که دارند، سؤال کنند ؛ یعنی اگر به خاطر حاجتی که برای شما پیش آمده ناگزیر شدید با یکی از همسران آن جناب صحبتی بکنید از پس پرده صحبت کنید، برای این که وقتی از پشت پرده صحبت کنید دل های تان دچار وسوسه نمی شود و در نتیجه ، این روش دل های تان را پاک تر نگه می دارد .» (طباطبایی، ۱۳۹۶ هـ. ق).

نکته حایز اهمیت در این مورد که جزء دستورات ویژه برای زنان پیامبر(ص) است و نه دستور عمومی برای تمام زنان آن است که خداوند این نحوه ی پوشش خاص را برای رعایت حجاب در قلب ذکر می نماید . نکته دیگری که در این آیه ذکر شده است پاک ماندن قلب مردان را پیش از قلب زنان بیان نموده است و چه بسا بتوان از این نکته استفاده نمود که این تقدم نشان دهنده ی آسیب پذیری دل مردان بیش از زنان است ؛ چرا که زنان پیامبر(ص) در مأمن و مأوای زوجیت آن حضرت در امانند ، اما کسانی که بیش از پیش از ایشان می توانند در معرض خطر باشند، مردانی هستند که به خانه رسول خدا(ص) مراجعه و با زنان ایشان مواجه می شوند؛ البته زنان نیز باید دل خود را پاک نگه دارند و از این رو ، پرده پوششی و حفظ حجاب و عفاف برای پاکي دل آنان نیز بهتراست. برای آن که کسی حریم الهی را در حیطه ی تعامل با افراد نامحرم به درستی رعایت نموده و حیطه حجاب و پوشش را حفظ کند ، لازم است بعد قلبی حجاب را جدی تلقی نماید و در این زمینه ، تسامح و تساهل روا ندارند که دروازه ی دل ، چشم است و «دل کتاب چشم است.» (محمدری شهری، ۱۳۷۷).

در دنیایی که در تبلیغات رنگارنگ خویش که فرهنگ برهنگی و سقوط اخلاقی و ارزش های انسانی نماد برتری و پیشرفت و توسعه !! را جلوه گر ساخته است، دین مبین اسلام با فرهنگ پوشش و توجه به هویت انسانی، معنویت و جاذبه ی روحی و آرامش را در جامعه نمایان گر ساخته است. زیرا قاموس الهی بر اساس فطرت ، هویت ، توانایی و جاذبه های فیزیکی زن و مرد نازل شده است، که اگر جوامع انسانی اگر تنها به فطرت و دستورات الهی عمل کنند به جایگاه و هویت اصلی خود دست پیدا می کنند و جامعه با امنیت و مصونیت می تواند راه خویش را طی کند.

## نتیجه گیری

خداوند تنها برای دین شرافت و کرامت قائل است و بر همین اساس پارساترین افراد را باکرامت‌ترین می‌داند و حجاب در تعریف خالق انسان یکی از نمادهای پارسایی است. زن مسلمان واقعی، پارسا و با کرامت است و خداوند راضی نیست زیبایی و محاسن چنین زنی در منظر و دید افراد فاسد قرار گیرد تا در بعضی موارد مورد استمتاع و شهوترانی آنان واقع شود. حرمت زن مسلمان به اعتبار اسلام و پارسایی اقتضا دارد که زن مسلمان برخلاف زن کافر، محاسن و زیباییهای خود را از نامحرمان بپوشاند و مجاز باشد تنها برای محارم تا حدودی و برای شوهرش هیچ گونه حجابی نداشته باشد. احکام اسلام بر اساس جلب مصالح و دفع مفاسد مبتنی بر فطرت پاک انسان و عدم ضرراست. خالق انسان بهتر از هر نهاد یا منبعی می‌داند که نیاز فطری انسان چیست؛ زیرا بدون تردید اگر پروردگار را تنها علت اصلی پیدایش عالم هستی بدانیم، به طور قطع علم و عدالت آن ذات بی‌همتا اقتضا دارد که منبع اصلی قانونگذاری نیز برای رفتار و گفتار شخصی و اجتماعی انسان باشد. فرامین الهی از جمله حجاب هم از مرحله صحت تا مرحله قبول، دارای درجات و مراتبی است که حداقل آن، شرط تمامیت است که در «حجاب خمار» جلوه گر می‌شود و حد کمال آن در جامعیت ابعاد پنج‌گانه حجاب قرآنی «جلباب» به تجلی می‌آید. پوشش بدن به جز وجه کفین و مهار کردن جاذبه‌های جنسی زنانه معیار حجاب الهی و قرآنی است که اگر در پوشش چند قطعه‌ای خمار و به تناسب فرهنگ و تمدن هر ملتی عینیت یابد، نمره‌ی صحت عمل را در منظر آیات شریفه به دست آورده است و اگر ابعاد قلبی، گفتاری و رفتاری و بُعد نگاه را نیز در پوشش یکسره جلباب تجلی بخشد، نمره‌ی کمال و برتری الهی را کسب نموده است. این امر نشان دهنده این است که در دین مبین اسلام با طرح و تأکید حجاب به تمام جوانب شخصیت زن و مرد در اجتماع توجه کرده است و با توجه به آن حجاب را به صورتی متعادل و متناسب مطرح نموده است تا جامعه‌ای سالم و به دور از فساد داشته باشیم تا انسان‌های به ما هو انسان بتوانند در کمال مصونیت و امنیت به کارکردها و نقش‌های خویش بپردازند و سیر کمال و سعادت را با پیروی از دستورات و مبانی دینی در جامعه بشری با لطافت معنوی و کمال حقیقی تجربه کنند.



فهرست منابع و مآخذ

منابع عربی

- ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین، لسان العرب. بیروت: دارصادر. ۲۰۰۰ م.
- زمخشری، ابوالقاسم محمد بن عمر، تفسیر کشاف. قم: دارالکتب الاسلامیه، جلد سوم، ۱۳۵۲
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل، مفردات القرآن. بیروت: دارالشامیه. ۱۹۹۲ م.
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه. جلد ۱۶، ۱۳۹۸ ق،
- طباطبایی یزدی، محمد کاظم، عروۃ الوثقی. قم. کراوری. ۱۳۷۳.
- طبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن، مجمع البیان. تهران: سازمان وزارت ارشاد اسلامی. ۱۳۸۰.
- فیض کاشانی، محمد حسن، تفسیر الصافی. مشهد: دارالمرتضی. جلد ۴.
- قمی، ابی الحسن علی بن ابراهیم، تفسیر القمی. نجف. جلد دوم، ۱۳۷۸ هـ. ق.
- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، تهران: گلبان، ۱۳۸۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب اسحاق، اصول کافی. بیروت. دارالاضواء. جلد پنجم، ۱۴۱۳ هـ. ق.

منابع فارسی

- الحرائی ، حسین بن شعبه ، تحف العقول ، تصحیح علی اکبر غفاری ، قم : جامعه مدرسین ۱۳۶۳ .
- بابایی ، احمد علی ، برگزیده تفسیر نمونه . تهران: دارالکتب الاسلامیه ، چاپ نهم ، ۱۳۸۰.
- بیرقی اکبری ، محمد رضا ، تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر . اصفهان : پیام عزت ، ۱۳۷۷ .
- شجاعی ، محمد ، درو الصدف . قم : محیی ، چاپ پنجم ، ۱۳۸۵ .
- عمید ، حسن ، فرهنگ عمید . تهران : امیر کبیر ، ۱۳۶۷ .
- قریشی ، علی اکبر ، قاموس قرآن . تهران : دارالکتب الاسلامیه ، چاپ پنجم ، جلد اول ، ۱۳۷۸ ،
- محمدی آشنانی ، علی ، حجاب در ادیان الهی . قم : اشراق ، ۱۳۷۳ .
- محمدی ری شهری ، محمد ، میزان الحکمه . ترجمه حمید رضا شیخی . قم : دارالحدیث ، ۱۳۷۷.
- محمدی نیا ، اسداله ، بهشت جوانان . قم : سبط اکبر علیه السلام ، چاپ ۱۹ ، ۱۳۸۳ .
- مصطفوی ، حسین ، التحقيق فی کلمات القرآن . تهران : بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، ۱۳۶۰.
- مطهری ، مرتضی ، مسئله حجاب . تهران : نشریه انجمن اسلامی . ۱۳۵۳ .
- معین ، محمد ، فرهنگ فارسی . تهران : امیر کبیر ، ۱۳۷۹ .
- مکارم شیرازی ، ناصر ، برگزیده تفسیر نمونه . تصحیح احمد بابایی . قم : دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶.
- هدایت ، مهدی قلی ، خاطرات و خطرات . تهران : زوار ، چاپ چهارم ، ۱۳۶۳ .
- هدایت خواه ، ستار ، زیور عفاف . مشهد : معاونت پرورشی سازمان آموزش و پرورش، ۱۳۷۴ .